

Lesson

1

Saving Nature

1 a few /ə; fjuː/ (adj., pron.)

چند تا، تعداد کمی
I read a few of her books.
چند تا از کتاب‌هایش را خواندم.



2 alive /ə'laɪv/ (adj.)

زنده
When I saw him, he was still alive.
وقتی او را دیدم، هنوز زنده بود.



3 among /ə'mʌŋ/ (prep.)

میان، در میان، از جمله
He was relaxed, knowing that he was among friends.
او با دانستن اینکه بین دوستان بود، آرام بود.



4 anymore /eni'mɔː/ (adv.)

دیگر، بیش از این‌ها
Those things didn't seem to matter anymore.
آن چیزها دیگر به نظر مهم نمی‌آمدند.



5 bear /beər/ (n.)

خرس
Grizzly bears are mostly found in North America.
خرس‌های گریزلی بیش‌تر در آمریکای شمالی پیدامی‌شوند.



exercise

◀ کلمه‌ها را جایگزین کنید.

a few, among, bears, anymore, alive

- 1 Polar live in the Arctic.
- 2 They lost hope of finding anyone
- 3 She refused to listen
- 4 Only people are selected for the job.
- 5 Snakes are the animals most feared by man.

◀ برای هر «تعریف» لغت مناسب را بنویسید.

- 6 : A large, wild mammal with thick fur coat
- 7 : Living, not dead
- 8 : A small number of
- 9 : To any further extent
- 10 : Being a member of a larger set

6 bird /bɜ:d/ (n.)

پرنده

Penguins are flightless birds.

پنگوئن‌ها پرنده‌هایی هستند که پرواز نمی‌کنند.



7 boring /'bɔ:riŋ/ (adj.)

کسالت‌آور، خسته‌کننده

Chess is a boring game to me.

شطرنج برای من یک بازی خسته‌کننده است.



8 build /bild/ (v.)

ساختن، درست کردن، بنا کردن

The birds build their nests in the trees.

پرنده‌ها لانه‌هایشان را در درختان می‌سازند.



9 cheetah /'tʃi:tə / (n.)

یوزپلنگ

Cheetahs are the fastest animals on land.

یوزپلنگ‌ها سریع‌ترین حیوانات روی خشکی هستند.



10 child /tʃaɪld/ (n.) (pl. children)

بچه

When I was a child, I didn't eat any vegetables.

وقتی بچه بودم اصلاً سبزیجات نمی‌خوردم.



exercise

◀ کلمه‌ها را جایگزین کنید.

boring, cheetahs, birds, children, build

- 11 The job was very and dull.
- 12 are mainly found in Africa.
- 13 The dawn was filled with the sound of
- 14 Both her are now happily married.
- 15 The road took many years to

◀ برای هر «تعریف» لغت مناسب را بنویسید.

- 16 : An animal with feathers and wings
- 17 : A wild animal of the cat family that can run very fast
- 18 : To make something
- 19 : Not interesting in anyway
- 20 : A boy or girl from the time of birth until he/she is an adult

بخش ۲

گرامر

Grammar

۳۲. endangered: الان قوانینی برای حفاظت از گونه‌های در معرض خطر وجود دارد.

۳۳. ducks: بعضی کشاورزها علاوه بر مرغ، اردک و بوقلمون نگه‌داری می‌کنند.

۳۴. especially: لباسش مخصوص آن مناسبت درست شده بود.

۳۵. elephant: در هشت سال گذشته جمعیت فیل‌های آفریقا نصف شده است.

۳۶. endangered ۳۸. especially ۴۰. elephant

۳۷. Earth ۳۹. duck

۴۱. foot: او پایش را روی زمین کوبید.

۴۲. fly: آن پرنده می‌تواند مسافت‌های طولانی را پرواز کند.

۴۳. gazelle: آهو توسط یک یوزپلنگ تعقیب می‌شد.

۴۴. forest: بچه‌ها در جنگل گم شدند.

۴۵. free: حیوانات اجازه دارند آزادانه در پارک حرکت کنند.

۴۶. foot ۴۸. free ۵۰. forest

۴۷. gazelle ۴۹. fly

۵۱. high: خانه به وسیله یک حصار بلند احاطه شده است.

۵۲. gulf: آن رود به خلیج سنت لارنس می‌ریزد.

۵۳. hope: ما باید امیدوار باشیم و دعا کنیم که عمل جراحی خوب پیش برود.

۵۴. group: یک گروه پسر بچه به ما نزدیک شدند.

۵۵. giraffe: یک زرافه کامل رشد کرده ۵ متر قد دارد.

۵۶. group ۵۸. giraffe ۶۰. high

۵۷. hope ۵۹. gulf

۶۱. human: بدن انسان از ۶۰ درصد آب تشکیل شده است.

۶۲. increase: هدف ما این است که فروش امسال را تا ۱۲ درصد افزایش دهیم.

۶۳. hunter: شکارچی‌ها ساعت‌ها صرف تعقیب آن حیوان کردند.

۶۴. important: فکر می‌کنم برای او شغلش مهم‌تر از همسرش است.

Lesson 1

درس ۱

سخن مشاور

هر ساختمان بزرگ، زمانی فقط یک نقشه ساده بوده است.
مهم نیست که امروز در چه مرحله‌ای هستید.
مهم آینده شماست و چیزی که به آن خواهید رسید.

زمان آینده

اگر بخواهیم راجع به آینده صحبت کنیم، از زمان آینده استفاده می‌کنیم.

زمان آینده ساده

هر گاه بخواهیم بگوییم عملی در آینده انجام خواهد شد می‌توانیم از زمان «آینده ساده» کمک بگیریم.

فعل ساده + will + فاعل : ساختار زمان «آینده ساده»

مفرد	I	will	work.	من کار خواهم کرد.
	You	will	work.	تو کار خواهی کرد.
	He / She / It	will	work.	او کار خواهد کرد.
جمع	We	will	work.	ما کار خواهیم کرد.
	You	will	work.	شما کار خواهید کرد.
	They	will	work.	آنها کار خواهند کرد.

نکات مهم

۱ فعل will را می‌شود به شکل مخفف 'll نوشت.

e.g I will finish this work tomorrow.

این کار را فردا تمام خواهم کرد.

I'll finish this work tomorrow.

این کار را فردا تمام خواهم کرد.

۲ برای سوالی کردن زمان «آینده ساده» باید will را ابتدای جمله

بیاوریم. به عبارت ساده‌تر باید جای will را با فاعل عوض کنیم.

فعل ساده + فاعل + Will+ : ساختار سوالی زمان «آینده ساده»

e.g She will buy that computer.

آیا او آن کامپیوتر را خواهد خرید.

Will she buy that computer?

آیا او آن کامپیوتر را خواهد خرید؟

۳ با اضافه کردن not به will، زمان آینده ساده، منفی خواهد شد.

فعل ساده + will + not + فاعل : ساختار منفی زمان «آینده ساده»

e.g I will not finish this work today.

امروز این کار را تمام نخواهم کرد.

نکته: "won't" شکل مخفف "will not" است.

I won't finish this work today.

امروز این کار را تمام نخواهم کرد.

۴ قیده‌های زیر، زمان آینده را نشان می‌دهند.

1- next + (day, week, month, year, ...)

2- soon

3- tomorrow

۶۵. idea: ساعت‌ها رانندگی کردن بدون استراحت ایده خوبی نیست.

۶۶. hunter ۶۸. increase ۷۰. idea

۶۷. important ۶۹. human

۷۱. instead of: من می‌خواهم به جای یوگا، ایروبیک انجام دهم.

۷۲. killed: والدین او در تصادف کشته شدند.

۷۳. leopards: ما چند تا پلنگ زیر درخت دیدیم.

۷۴. injured: به او گفته شد که به کمر آسیب دیده‌اش استراحت بدهد.

۷۵. jungle: اغلب شیر، سلطان جنگل نامیده می‌شود.

۷۶. injured ۷۸. jungle ۸۰. instead of

۷۷. leopard ۷۹. kill

۸۱. losing: او همیشه کلیدهای ماشینش را گم می‌کند.

۸۲. lion: شیر در میان چمن‌ها دوید.

۸۳. like: او شبیه برادرش است.

۸۴. longer: بیماری او بیش‌تر از چیزی که انتظار می‌رفت طول کشید.

۸۵. living: او هرگز به موجود زنده دیگری آسیب نخواهد زد.

۸۶. like ۸۸. longer ۹۰. lion

۸۷. living ۸۹. lose

۹۱. nature: ما در حالی که به وسیله زیبایی‌های طبیعت احاطه شده

بودیم، بزرگ شدیم.

۹۲. mice: گربه چند تا موش مرده جلوی پایم قرار داد.

۹۳. low: دما برای این وقت سال خیلی پایین است.

۹۴. orally: شما احتیاج دارید بتوانید هم به صورت شفاهی و هم

به صورت نوشتاری به خوبی ارتباط برقرار کنید.

۹۵. mean: منظورت از آن جمله چیست؟

۹۶. nature ۹۸. low ۱۰۰. orally

۹۷. mice ۹۹. mean

کاربردهای زمان آینده ساده

خُب این شما و این هم موقعیت‌هایی که می‌توانید در آن از زمان «آینده ساده» استفاده کنید:

① وقتی که در همان لحظه صحبت کردن تصمیم به انجام کاری بگیریم:

e.g A: "Did you phone Jim?"

B: "Oh, no. I'll do it."



الف: به جیم تلفن کردی؟
ب: اوه نه، [همین الان] به او زنگ می‌زنم.

② پیش‌بینی بر اساس نظر و عقیده شخصی را با زمان «آینده ساده» نشان می‌دهیم:

e.g I don't think it will snow tomorrow.

فکر نمی‌کنم فردا برف بیارد.

زمان آینده با ساختار be going to

یکی دیگر از ساختارهایی که با آن می‌توانیم راجع به آینده حرف بزنیم، ساختار be going to است.

am/ is/ are + going to + فعل ساده

مفرد	I	am going to work.	من قصد دارم کار کنم.
	You	are going to work.	تو قصد داری کار کنی.
	He/ She/It	is going to work.	او قصد دارد کار کند.
جمع	We	are going to work.	ما قصد داریم کار کنیم.
	You	are going to work.	شما قصد دارید کار کنید.
	They	are going to work.	آنها قصد دارند کار کنند.

نکات مهم

۱ برای سوالی کردن این ساختار کافی است که **am/is/are** را ابتدای جمله بیاوریم.

e.g He is going to study physics.

او قصد دارد فیزیک بخواند.

Is he going to study physics?

آیا او قصد دارد فیزیک بخواند؟

۲ برای منفی کردن این ساختار کافی است که **not** بعد از **am/is/are** استفاده کنیم.

e.g He is not going to buy a new car.

او قصد ندارد يك ماشین نو بخرد.

۱۰۱. plain: کوه‌های بلند از بالای دشت برخاسته‌اند.
۱۰۲. proper: هر کلمه‌ای می‌خواهی انتخاب کن ولی اسامی خاص نه.
۱۰۳. pay attention to: به نینا توجه نکن. او نمی‌داند راجع به چه چیزی حرف می‌زند.
۱۰۴. plant: آن گیاه را دوبار در هفته آب بده، ترجیحاً صبح‌ها.
۱۰۵. panda: من تا وقتی که به چین رفتم هیچ پاندایی را ندیده بودم.
۱۰۶. plain
۱۰۸. proper
۱۰۷. pay attention to
۱۰۹. plant
۱۱۰. panda
۱۱۱. safe: در بعضی شهرها احساس امنیت نمی‌کنی، شب‌ها تنها بیرون بروی.
۱۱۲. simple: پیدا کردن خانه ما آسان است.
۱۱۳. recently: اخیراً کمی احساس افسردگی می‌کنم.
۱۱۴. protect: ممکن است ویتامین C از شما در برابر سرطان محافظت کند.
۱۱۵. right: تو سه سوال را درست و دو تا را غلط جواب دادی.
۱۱۶. safe
۱۱۸. recently
۱۲۰. right
۱۱۷. protect
۱۱۹. simple
۱۲۱. visitors: با کاهش ثابتی در تعداد بازدیدکنندگان موزه وجود داشته است.
۱۲۲. wild: گورخر یک اسب آفریقایی وحشی با خطوط سیاه و سفید است.
۱۲۳. type: هوا تاریک بود، بنابراین متوجه نشدم چه نوع ماشینی بود.
۱۲۴. way: افراد زیادی راهشان را در جنگل گم کرده‌اند.
۱۲۵. whales: نهنگ‌های آبی بزرگ‌ترین حیوانات روی زمین هستند.
۱۲۶. type
۱۲۸. way
۱۳۰. wild
۱۲۷. visitor
۱۲۹. whale
۱۳۱. zookeeper's: مسئولیت‌های نگهبان باغ وحش معمولاً شامل غذا دادن و تمیز کردن حیوانات است.
۱۳۲. wolf: می‌توانستیم صدای زوزه گرگ‌ها را در دوردست‌ها بشنویم.

بخش ۳

پاسخ تمرین‌ها

Answers

درس ۱

۱. bears: خرس‌های قطبی در قطب شمال زندگی می‌کنند.
۲. alive: آنها، امید پیدا کردن شخصی زنده را از دست دادند.
۳. anymore: او دیگر نپذیرفت که بیش از این گوش کند.
۴. a few: فقط چند تا از افراد برای آن شغل انتخاب می‌شوند.
۵. among: مارها در میان حیواناتی هستند که انسان بیش از سایر حیوانات از شان می‌ترسد.

۶. bear ۸. a few ۱۰. among

۷. alive ۹. anymore

۱۱. boring: شغلی بسیار کسل‌کننده و ملال‌آور بود.
۱۲. cheetahs: یوزپلنگ‌ها بیش‌تر در آفریقا پیدا می‌شوند.
۱۳. birds: سحر پر از صدای پرندگان بود.
۱۴. children: هر دو فرزند او الان با شادی ازدواج کردند.
۱۵. build: ساختن جاده سال‌ها طول کشید.

۱۶. bird ۱۸. build ۲۰. child

۱۷. cheetah ۱۹. boring

۲۱. died out: دایناسورها میلیون‌ها سال پیش منقرض شدند.
۲۲. common: نمک و فلفل [نوع] از رایج‌ترین ادویه‌ها هستند.
۲۳. destroyed: اتاق به وسیله آتش نابود شد.

۲۴. dolphins: بچه‌های یک گروه نهنگ و دلفین را دیدند که داشتند شنا می‌کردند.
۲۵. danger: او آن قدر تندرانندگی می‌کرد که حس می‌کردم جانم در خطر است.

۲۶. common ۲۸. destroy ۳۰. dolphin

۲۷. die out ۲۹. danger

۳۱. Earth: ۳۶۵ روز طول می‌کشد تا زمین به دور خورشید بچرخد.

بخش ۴

ضمیمه

Index

واژه‌نامهٔ موضوعی
واژه‌نامهٔ الفبایی

(شامل واژه‌های کتاب‌های هفتم، هشتم، نهم و دهم)

واژه‌نامهٔ موضوعی

kitty 10

بچه گربه، [زبان کودکانه] پیشی

dog 8

سگ

duck 10

مرغابی، اردک

goat 10

بز

cow 8

گاو ماده

fish 10

ماهی

gold fish 9

ماهی قرمز

hen 10

مرغ

bird 10

پرنده

cattle 8

گله گاو

میوه، غذا، نوشیدنی

banana 7

موز

milk 7

شیر (خوراکی)

carrot 7

هویج

cheese 7

پنیر

coconut 7

نارگیل

date 7

خرما

cake 7

کیک

حیوانات

bear 10

خرس

dolphin 10

دلفین

elephant 10

فیل

gazelle 10

غزال، آهو

giraffe 10

زرافه

leopard 10

پلنگ

horse 8

اسب

lion 10

شیر

mice 10

موش‌ها

mouse 10

موش

panda 10

پاندا

tiger 10

ببر

whale 10

نهنگ وال

wolf 10

گرگ

zebra 10

گورخر

cheetah 10

یوزپلنگ، چیتا

ant 10

مورچه

camel 10

شتر

shark 10

کوسه



شغل‌ها

receptionist 9	متصدی پذیرش، پذیرشگر
researcher 10	محقق
scientist 10	دانشمند
translator 10	مترجم
poet 10	شاعر
baker 7	نانوا
doctor 7	دکتر، پزشک
dentist 7 و 8	دندانپزشک
employee 9	کارمند
engineer 7	مهندس
cook 7	آشپز
florist 7	گل‌فروش
housewife 7	خانه دار
zookeeper 8	مسئول / نگهبان باغ وحش
librarian 10	کتابدار
nurse 7 و 8	پرستار
mechanic 7	مکانیک
driver 7	راننده
farmer 7	کشاورز

egg 7	تخم مرغ
honey 7	عسل
orange 7	پرتقال
kebab 7	کباب
pineapple 7	آناناس
quince 7	[میوه] به، درخت به
jelly 7	ژله
rice 7	برنج
nuts 9	آجیل
salad 7	سالاد
spaghetti 7	اسپاگتی، ماکارونی
ice-cream 7	بستنی
junk food 10	هله‌هوله، غذای ناسالم
tea 7	چای
juice 7	آبمیوه
tomato 7	گوجه فرنگی
yoghurt 7	ماست
zucchini 7	کدو



واژه‌نامهٔ الفبایی

age 10	سن	A	
alike 10	مثل هم، شبیه هم	abilities 8	توانایی‌ها
alive 10	زنده	above 10	بالا
all 8	همه	abroad 10	۱. در خارج ۲. به خارج از کشور
all right 8	خوب، عالی	across 10	۱. از وسط، از عرض ۲. از این سو به آن سو
among 10	میان، در میان، از جمله	act in movies 8	نقش بازی کردن در فیلم
ancient 10	باستانی، قدیمی	action 10	۱. عمل، اقدام ۲. کار
animals 8	حیوانات	activities 8	فعالیت‌ها
another 8	دیگری	actually 8	در حقیقت
any 10	۱. [در جمله‌های منفی] هیچ ۲. [در جمله‌های مثبت] هر	address 7	۱. آدرس، نشانی ۲. نشانی دادن
anymore 10	دیگر، بیش از این‌ها	adverb 10	[دستور زبان] قید
appearance 7	ظاهر، پوشش ظاهری	advice 8	نصیحت
area 10	۱. منطقه ۲. ناحیه	a few 10	چند تا، تعداد کمی
around 10	اطراف، دور	Africa 8	آفریقا
as 10	چون، برای این‌که	African 8	آفریقایی
Asian 8	آسیایی	afternoon 8	بعدازظهر
ask the information desk 9	سؤال کردن از بخش (میز) اطلاعات	again 8	دوباره
at home 8	در خانه	against 10	۱. علیه ۲. در برابر ۳. مخالف
at the beginning 8	در ابتدا		

below 8	پایین، زیر	attack 10	۱. حمله ۲. حمله کردن به
belt 7	کمربند	attend 9	حضور یافتن
be quiet! 8	ساکت باش!	attract 10	جلب کردن، جذب کردن
best 10	بهترین	attraction 10	جذب، جاذبه
between 8	بین	attractive 10	جذاب
big 8	بزرگ	Australian 8	استرالیایی
billion 10	میلیارد	Avicenna 8	ابوعلی سینا، ابن سینا
birthday 7	تولد	B	
black eye 9	سیاهی چشم، کبودی چشم	(be) back 8	برگشتن
blanket 7	پتو	bacteria 10	باکتری‌ها
bleeding 9	خون‌ریزی	baggage 9	چمدان
blood 10	خون	baggage reclaim 9	تسمه نقاله حمل چمدان (در فرودگاه، راه‌آهن و...)
board the plane 9	سوار شدن به هواپیما	bake a cake 9	کیک پختن
book a room 9	رزرو کردن اتاق	be interested in 10	علاقه‌مند بودن به
bookcase 7	قفسه کتاب	behave 10	رفتار کردن
booklet 10	دفترچه، کتابچه	behavior 10	رفتار، عمل
boring 10	کسالت‌آور، خسته‌کننده	belief 10	۱. باور ۲. عقیده ۳. ایمان
both 10	هر دو	believe 10	۱. باور داشتن ۲. عقیده داشتن ۳. ایمان داشتن
boulevard 8	بولوار		
Brazilian 8	برزیلی		
bread 7	نان		